

## سید محمد حمیدی و نقش وی در مقام سردبیری روزنامه کردستان<sup>۱</sup>

### تحلیل پنج متن از مقالات منتشره حمیدی در روزنامه کردستان بر اساس الگوی تحلیلی فرکلاف

عبدالعزیز مولودی\*

مجید توسلی رکن آبادی\*\*، محمد مهدی مجاهدی\*\*

#### چکیده

اعلام جمهوری کردستان در مه‌آباد در سال ۱۳۲۴ بعد از اینکه در جریان جنگ جهانی دوم، روسها از ترک خاک ایران سر باز زدند، رویداد مهمی است که بر تحولات آن دوره کشور اثر داشت و برای آینده نیز بار معنایی ایجاد کرد. روزنامه ی کردستان، به عنوان یکی از منابع ارزشمند بررسی، تحلیل و نقد رویدادهای این دوره است و سید محمد حمیدی به عنوان سردبیر روزنامه، دارای نقش مهمی در انتشار روزنامه بوده است. مقاله بر اساس روش کیفی و بر مبنای الگوی تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، با بررسی پنج متن از مقالات منتشر شده وی در روزنامه ی کردستان، به تحلیل برخی از دیدگاه های سیاسی

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده هیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، Aziz\_moloudi@hotmail.com

\*\* استاد راهنما و دانشیار تمام وقت گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، tavasoli@gmail.com

\*\*\* استاد مشاور و استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، mm.mojahedi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۷

و اجتماعی او می پردازد. سوال اصلی این است که نقطه ی عزیمت مسائلی که سید محمد حمیدی در مقالات خود مطرح می کند، چیست؟ از نظر گفتمانی، سید محمد حمیدی، چه گفتمان یا گفتمان هایی را در مقالات خود مطرح یا پیروی کرده است؟ آیا از فحوای گفتمانی سید محمد حمیدی، گفتمان دولت ستیز نسبت به دولت مرکزی قابل استنباط است؟ بر پایه ی یافته های بدست آمده، مهمترین مسائلی که آقای حمیدی مطرح کرده است، عبارتند از ناسیونالیسم کردی و ایرانی و از نظر گفتمانی نیز گفتمان های آزادی، دموکراسی و ناسیونالیسم کردی، مهمترین گفتمان هایی است که مطرح کرده است. در متون بررسی شده، گفتمان دولت ستیزی، از محتوای مقالات قابل استنباط نیست.

**کلیدواژه ها:** تحلیل گفتمان، جمهوری کردستان، روزنامه کردستان، سید محمد حمیدی، دولت ستیزی.

## ۱. مقدمه

بررسی تاریخ گذشته کشور، دور یا نزدیک، دربردارنده اطلاعات و آگاهی های ارزشمندی است که می تواند در درک رویدادهای کنونی و آینده به ما کمک کند. تاریخ پرفراز و نشیب ایران، مخصوصا تحولات رویدادها در مناطق کردنشین ایران در غرب کشور بعد از جنگ جهانی دوم، نیازمند بازخوانی و توجه به زوایای مختلف آن است. از جمله حوادث این دوره، شکل گیری جمهوری کردستان در مه‌آباد در سالهای ۲۵-۱۳۲۴ همزمان با عدم خروج نیروهای شوروی سابق از شمال و شمال غرب ایران است. از جنبه های متفاوتی می توان این تجربه را بازخوانی و تحلیل کرد. یکی از جنبه های قابل توجه آن، چاپ و انتشار روزنامه کردستان است که در واقع ارگان رسمی جمهوری و حزب دمکرات کردستان محسوب می شد.

تاکید مقاله حاضر بر نقش سردبیر وقت روزنامه کردستان، سید محمد حمیدی به عنوان فردی تاثیر گذار در این روزنامه است. هدف اصلی مقاله علاوه بر نگاهی به زندگی و زمانه ی حمیدی، بر تحلیل پنج متن منتشر شده وی، کمک به شناخت برخی از زوایای تاریخی، اجتماعی مساله کرد در ایران آن دوره است.

## ۲. طرح مسئله

روزنامه کردستان با چاپ شماره اول خود در بیست و دوم دیماه ۱۳۲۴ شمسی، آغاز به کار کرد. روزنامه کردستان، هم ارگان رسمی حزب دمکرات کردستان و هم جمهوری کردستان بود. روزنامه در محدوده قلمرو جمهوری کردستان، از جمله در شهرهای نقه، اشنویه، ماکو، خوی، سلماس (شاهپور)، سوما، سندوس، اورمیه، پیرانشهر، میاندوآب، بوکان و مهاباد، پخش و توزیع شده است. روزنامه کردستان تا ۱۱۳ شماره چاپ و منتشر شده است و اکنون، حدود ۸۰ شماره از این مجموعه در دسترس است که در یک مجلد در کردستان عراق چاپ و منتشر شده است.

اگرچه شخصیت های مختلفی در تجربه جمهوری کردستان نقش بازی کرده اند، اما شخصیت مورد نظر در این مقاله سید محمد حمیدی است. کسی که در ابتدای تاسیس روزنامه به عنوان سردبیر روزنامه منصوب شد و در عمل به نقش اول و تاثیرگذار روزنامه تبدیل شد. به نظر می رسد وی از موقعیت حزبی برخوردار نبوده و این امر از جمله ویژگی های شخصیتی مهم او به شمار می آید. زیرا شخصیت های وابسته به حزب دمکرات کردستان در آن دوره به صورت آشکار از شوروی و استالین و دیدگاه های چپ حمایت می کردند، در حالیکه سید محمد حمیدی خصلتی لیبرال منش داشته است. از جمله در شماره ۷۵ روزنامه کردستان (۱۳۲۵/۵/۲۰) در صفحه ۴، وی آرای فرانسیس بیکن در باب فرد و خانواده را منتشر کرده است. در عین حال، از وی به عنوان شخصیتی که به صورت همزمان علاوه بر روزنامه کردستان، در روزنامه کوهستان - که از سوی کردهای مقیم تهران منتشر می شد - نیز مقاله می نوشت و فعال بود، یاد شده است. (شریفی، ۲۰۰۴: ۱۹) نوشیروان مصطفی رسول نیز در کتاب حکومت کردستان، از وی به عنوان فعالترین نویسنده یاد کرده است. (مصطفی رسول، ۲۰۰۷: ۱۶۷) موارد یادشده نشان می دهد که سید محمد حمیدی تاثیرگذار بوده است که تاکنون مورد توجه نبوده و در مورد وی کاری مستقل صورت نگرفته است. حتی گفته شده از وی یادی هم نکرده اند. (شریفی، ۲۰۰۴: ۲۱) بنابراین لزوم پرداختن به این شخصیت از اهمیت و ضرورت لازم برخوردار است.

در بررسی تجربه ی جمهوری کردستان یکی از مسائل قابل توجه وجود یا عدم وجود دولت ستیزی است. در این زمینه می توان از ویژگی های فردی شخصیت های موثر و مطرح در آن دوره نیز این پرسش را مطرح کرد که آیا از ایده های دولت ستیزانه حمایت کرده اند یا خیر. با توجه به موارد یادشده می توان سوال اصلی مقاله را مطرح کرد.

پرسش اصلی در این مقاله، آن است که نقطه ی عزیمت مسائلی که سید محمد حمیدی در مقالات خود مطرح می کند، چیست؟ ممکن است مسائل دیگری نیز در کنار سوال اصلی مطرح شود. از جمله اینکه از نظر گفتمانی، سید محمد حمیدی، چه گفتمان یا گفتمان هایی را در مقالات خود مطرح یا پیروی کرده است؟ آیا از فحوای گفتمانی سید محمد حمیدی، گفتمان دولت ستیز نسبت به دولت مرکزی قابل استنباط است؟ منظور از دولت ستیزی در اینجا، واگرایی سیاسی از دولت مرکزی، تقابل با آن و تمایل به کسب استقلال سیاسی است.

### ۳. مبانی نظری

روزنامه ها و در مجموع مطبوعات نقش موثری در آگاهی بخشی مردم دارند و همزمان تاثیر پذیری مستقیمی نیز از افکار عمومی جامعه دارند و به این ترتیب هم در شکل دهی و هم در الگوگیری از افکار عمومی جامعه نقش موثر دارند. روزنامه ها و متونی که تولید و منتشر می کنند، بزودی به عنوان اسناد قابل ارجاع و توجه، مورد توجه قرار می گیرند. از این رو است که تحلیل چند متن از متون منتشر شده ی سیدمحمد حمیدی سردبیر این روزنامه از دیدگاه تحلیل انتقادی گفتمان، در ترسیم شرایط اجتماعی و سیاسی سال های ۲۵-۱۳۲۴ که در آن شرح زندگی، بررسی نحوه ی اقدامات و تصمیم گیری و آشنایی با نقطه نظرات افراد، سازمان ها و مقامات تصمیم گیرنده یک قوم و ملتی در گذشته، بیانگر اهداف و نیات واقعی و روشنگر فلسفه وجودی آنها است. همچنان که در زندگی فردی، شجره و نسب شناسی مبین هویت فردی و خانوادگی اوست، در زندگی اجتماعی، قومی و ملی هم، تاریخ و سرگذشت ملت و امت ها نشان دهنده ی استواری و پایداری آن ها در جریانات زندگی است. ملتی هوشیار است که افراد آن آگاه و آشنا به مسائل علمی هستند، همواره در جمع آوری و حفظ و نگهداری اسناد می کوشند. زیرا که سند مهمترین عامل پیوند اثر و مؤثر و رابطه دقیق و واقعی علت و معلولی حوادث و رویدادهایی است که تاریخ اصیل و هدایتگر را می سازند و سرانجام فلسفه تاریخ از آن به بهترین وجهی نشأت می یابد و حاصل آن چیزی جز تاریخ نگاری مستدل و روشمند و کاربردی و عبرت آموز نخواهد بود. (روستایی، ۱۳۸۹: ۴۳)

ایران کشوری با قومیت های متعدد از قبیل آذری، کرد، لر، عرب، ترکمن و بلوچ است و در طول تاریخ و دوران معاصر با مسأله قومیت به اشکال مختلف مواجه بوده است. به

طوری‌که به لحاظ تاریخی فرایند شکل‌گیری دولت مدرن، با تمایلات تمرکزگرایانه، در سیاسی شدن اختلافات مذهبی-زبانی در ایران بسیار موثر بود. (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۲) تنوع موجود در چهارچوب ارضی ایران، روی هم رفته به مدت چندین قرن بدون مسائل خاص در ارتباط با یکدیگر با هم زیست کرده‌اند، اما با تشکیل دولت پهلوی و ظهور ناسیونالیسم و اندیشه‌ی دولت-ملت و با کمی مسامحه ریشه‌دارتر، لحاظ داشت ایدئولوژی مذهبی خاص، جوهره‌ی اصلی همزیستی چهره‌ای کدر گونه به خود گرفت و در قالب‌های ناپایداری همچون تبعیض، کوچ اجباری و تبعید، به یک رنگ درآوری و ... خود را نشان داد. (اخباری و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۴)

در این چهارچوب، تشکیل جمهوری کردستان در مهاباد در سال ۱۳۲۴ بعد از اینکه در جریان جنگ جهانی دوم، روسها از ترک خاک ایران سرباز زدند، یک واقعه‌ی با اهمیت در تاریخ کشور است و از زوایای مختلفی این رویداد را می‌توان مورد بررسی و تحلیل قرار داد. این رویداد نه تنها در آن دوران بر تحولات کشور اثر داشت، که برای آینده نیز بار معنایی ایجاد کرد.

از سوی دیگر، با توجه به اینکه روزنامه کردستان زبان حال جمهوری کردستان در شهر مهاباد در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ بود، هم زمان نیز زبان حال جمهوری و ارگان حزب دمکرات کردستان ایران به رهبری قاضی محمد بود، از این منظر می‌توان گفت که شماره‌های بجا مانده از روزنامه کردستان به عنوان یکی از منابع ارزشمند بررسی، تحلیل و نقد رویدادهای این دوره است. نوشیروان مصطفی رسول در کتاب خود که پیرامون جمهوری کردستان تالیف کرده است در این مورد می‌نویسد که: "روزنامه کردستان ارزش تاریخی عظیمی در رابطه با تحلیل رویدادهای آن عصر کردستان دارد زیرا قسمت اعظم نطق‌های قاضی محمد و مقامات دیگر و اخبار سیاسی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی حکومت کردستان را در بردارد". (مصطفی رسول، ۲۰۰۶: ۱۷۰).

#### ۴. خاستگاه، پیشینه و فعالیت‌های سید محمد حمیدی

در برش‌های تاریخ ایران، مبحث «شخصیت‌شناسی» چهره‌های تاریخی دارای جایگاه ویژه‌ای است. تاریخ ایران مملو از شخصیت‌ها و کسان بیشمار است که در زمینه‌های متنوع و متعدد از جمله در زمینه سیاسی نقش و جایگاه مهمی داشته‌اند. هر چند در زمینه شخصیت‌شناسی در تاریخ ایران بسیاری شخصیت‌های مهم مورد تحقیق و پژوهش

قرار گرفته اند و زوایای پیدا و پنهان کسان بیشمار تاریخ مورد تفحص قرار گرفته است، اما هنوز تحقیق و تفحص درباره برخی شخصیت ها به دلایلی از جمله سیاسی بودن، قلت فاکت و داده و منابع تاریخی در زمینه آنها و مهم تر از اینها بی توجهی و عدم درک نقش و جایگاه واقعی آنان، بصورت بکر باقی مانده است و اینان به نوعی یا به کلی به فراموشی سپرده شده اند، یا در حاشیه بررسی های تاریخی قرار گرفته اند. سید محمد حمیدی سردبیر روزنامه کردستان در جمهوری کردستان یکی از این شخصیت های است که در مرکز تتبعات و تحقیقات تاریخی نبوده است.

سید محمد حمیدی اهل شهر سقز بود و از روستای به نام «دشالوجه» بود. تاریخ تولد وی را سال ۱۲۸۲ ه. ش ذکر کرده اند. (صالح توفیق، صالح صدیق، ۲۰۰۷: ۲۴) سقز در آن زمان یکی از شهرهای کردنشین بود که از منظر علمی و دینی در سطح بالاتری نسبت به برخی شهرهای دیگر کردنشین قرار داشت. وجود کانون های علمی و دینی در این شهر موجب گردید که حمیدی از همان اوان کودکی به تعلیم و یادگیری دانش دینی و علمی مشغول شود. البته نقش خاندان وی در این راه بی تاثیر نبوده است. پی بردن به پایگاه اجتماعی خاندان حمیدی بر اساس منابع دشوار می نماید. اما بر اساس اطلاعات اندک موجود می توان این فرض را مطرح کرد که از آنجا که وی از خاندان سادات سقز و پسر سید فضل الله از نوادگان سید شکرالله پارسانیان بود (پادداشت های عمر فاروقی)، از طبقات ممتاز و اهل علم و دین بوده است. هر چند اطلاعات در زمینه این خاندان اندک است، ولی در حال حاضر هم در افواه عمومی منطقه از خاندان های متشخص، محبوب و تاثیرگذار هستند.

دوران کودکی و تحصیل حمیدی در سقز و روستاهای اطراف آن بوده است. اما نظر به علاقه و ذکاوت و استعداد بالای وی و نیز کمبود عالمان دینی مورد علاقه در این شهر، حمیدی برای ادامه تحصیل، روانه شهرها و روستاهای اطراف از جمله بوکان، حجره دینی روستای حمامیان بوکان، حجره ها و مساجد مهاباد و پسوه (از روستاهای پیرانشهر کنونی<sup>۲</sup>) می گردد. (شرفکندی، ۲۰۰۷: ۲۱) حمیدی در طول تحصیل از استادان و عالمان زیادی در منطقه تحصیل و تلمذ کرده است که ملا عبدالله حسینی، ملا محمد بور و ملا حسین مجدی مهم ترین آنها بوده اند. وی پس از سالها سیر و سفر علمی در شهرها و روستاهای منطقه در نهایت در مهاباد در محضر ملا حسین مجدی از استادان خویش اجازه فتوا و تدریس دریافت می کند و در یکی از مساجد مشهور مهاباد به ارشاد و تدریس مشغول می

شود. از همین جاست که حمیدی با کانون‌های فکری و سیاسی موجود در مهاباد آشنا شده و با آنان ارتباط نزدیک برقرار می‌کند و بعد از اعلام جمهوری در مهاباد حمیدی به عنوان سردبیر روزنامه کردستان انتخاب می‌شود. (شریفی، ۲۰۰۴: ۱۸)

از لحاظ شخصیتی اکثر منابع از وی به نیکی یاد می‌کنند. سالها تحصیل در زمینه علوم دینی و هم نشینی و هم صحبت با عالمان و بزرگان از وی شخصیتی ممتاز ساخته بود. عبدالرحمن شرفکندی که در محضر حمیدی تعلیم دیده است، در کتاب سوانح ایام خویش در زمینه وی می‌نویسد: «حمیدی روشنفکر زمانه بود. او عاشق سیدجمال الدین افغانی بود و در مورد او کلی مطلب جمع کرده بود» (شرفکندی، ۲۰۰۷: ۲۲). نظر به اظهار نظر شرفکندی درباره حمیدی که استاد وی بوده و اظهارات وی درباره حمیدی موثق به نظر می‌رسد، می‌توان به توانایی علمی و سیاسی او در زمینه‌های مختلف پی‌برد که محصل وی شرفکندی تنها بخشی محدودی از آن را به یاد داشته است. علاقه وی به سیاست از همان دوران تحصیل از یادداشت‌های شرفکندی و علاقه اش به سید جمال الدین افغانی کاملاً مشهود است. هم‌چنین در جایی دیگر شرفکندی نظر به تبحر حمیدی در سایر علوم از وی به عنوان دانشمند یاد می‌کند. (شرفکندی، ۲۰۰۷: ۲۲)

نظر به توانایی و پرکار بودن وی در زمینه‌های متنوع احتمال می‌رود که تالیفات و آثار وی بیشتر از آن چیزی است که در مورد او در دسترس است. وی علاوه بر سردبیری روزنامه کردستان که چندین مقاله و سرمقاله در آن چاپ و انتشار کرده است، دارای چند تالیف دیگر است که غالباً در زمینه علوم دینی و فقهی می‌باشند، که برخی از این آثار چاپ شده‌اند و عده‌ای نیز هنوز چاپ نشده‌اند. از حمیدی کتابی با عنوان «شرعیات برای مقطع ابتدایی» در زمینه علوم شرعی و فقهی که برای دانش‌آموزان سطح ابتدایی و به زبانی ساده و روان چاپ و انتشار یافته است. تالیف وی در زمینه عرفان و تصوف هنوز به چاپ نرسیده است. وی علاوه بر تالیف، در زمینه شرح و تفسیر کتب نیز دست‌توانایی داشته است. شرح و تفسیر کتاب «نور الانوار» اثر سید عبدالصمد قوداری توسط وی انجام گرفته است. (یادداشت‌های جمال الدین حمیدی) نوشته‌های سیاسی و غیر دینی وی در سرمقاله‌های انتشار یافته در روزنامه تحت مدیریت خویش موجود هستند و در پژوهش حاضر بخشی از این نوشته‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. علاوه بر این نوشته‌ها و مقالات، کتابی دیگر از وی به نام «ترجمه سلسله مقالات تاریخ آارات» به زبان فارسی در دسترس است که نشان می‌دهد وی در زمینه ترجمه نیز دست‌داشته است. (مصطفی

رسول، ۲۰۰۶: ۱۶۷) بیانیه های سیاسی جمهوری کردستان در مهاباد نیز غالباً توسط وی نوشته و انتشار می یافت. تحقیق و تفحص در زمینه آثار و فعالیت علمی وی هنوز کامل و روشن نیست. به نظر می رسد فعالیت های سیاسی در جمهوری کردستان بر روشن شدن فعالیت های علمی اش سایه انداخته است.

سرانجام حمیدی بعد از فروپاشی جمهوری کردستان زیاد خوشایند نبود. هر چند می توان گفت به واسطه نقش مهم در یکی از کانون های تبلیغی و نشر در جمهوری که توسط حکومت وقت منحل اعلام شد، شانس زنده ماندن پیدا کرد. حمیدی بعد از فروپاشی جمهوری روانه مناطق کردنشین عراق گردید و بعد از عفو عمومی از جانب حکومت وقت، به ایران بازگشت. ظاهراً در وهله اول به شهر اراک تبعید گشته است و بعدها به وساطت آقای صادق وزیری، مدیر کل وقت ثبت و احوال در شهر سنندج در اداره ثبت و احوال این شهرستان مشغول بکار شد. بعد از عفو عمومی از جانب ساواک تحت نظر بود و مورد اذیت و تبعید قرار گرفت. (شریفی، ۲۰۰۴: ۱۹) حمیدی در سال ۱۳۵۸ شمسی در سن ۷۶ سالگی در شهر سنندج فوت کرد. (یادداشت های عمر فاروقی)

## ۵. پیشینه پژوهش

در مورد تاریخ کردستان تحقیقات زیادی صورت گرفته است. هم چنین درباره جمهوری کردستان نیز پژوهشگران داخلی و خارجی از زوایای گوناگون به این مساله پرداخته اند. اما در مورد موضوع مقاله حاضر تاکنون از منظر پژوهشی هیچ تحقیقی صورت نگرفته است. پژوهش های که به نوعی به این موضوع اشاره داشته اند، و به عنوان پیشینه تحقیق مقاله حاضر محسوب می شوند، محدود و غالباً عمومی هستند. مقدمه کتاب جمع آوری شده روزنامه کردستان حاوی اظهار نظر چند شخصیت علمی کرد درباره سردبیر روزنامه کردستان، سید محمد حمیدی می باشد،<sup>۳</sup> که اظهارات اینان غالباً از شنیده ها یا گزارش های شفاهی حکایت دارد و چندان جنبه علمی و موثق ندارد. فرزند ذکور آقای حمیدی یادداشتی کوتاه با عنوان «مختصری از شرح حال عالم و عارف بزرگ کرد، مرحوم حاج سید محمد حمیدی» منتشر کرده است<sup>۴</sup> که جنبه احساسی و تمجیدگونه آن بر جنبه علمی آن برتری دارد. عمر فاروقی از پژوهشگران کرد یادداشتی علمی تر و پرمایه تر از سردبیر روزنامه کردستان گردآوری کرده است که به دلیل قلت و کمبود اطلاعات موثق، انتشار آن محدود به روزنامه ها و سایت های داخلی گشت.<sup>۵</sup> عبدالرحمن شرفکندی مترجم کتاب



قانون ابوعلی سینا ضمن تدوین سوانح ایام خویش در کتابی به زبان کردی به نام «چیشتی مجبور»،<sup>۶</sup> اشاراتی محدود به ملاقات های خویش با حمیدی داشته است که نظر به شخصیت شرفکندی و دقت و تیزبینی وی از منابع موثق در این زمینه می باشد. از دیگر پژوهش هایی که در مورد سید محمد حمیدی به صورت جدی تر صورت گرفته است، اختصاص بخش هایی از کتاب «حکومت کردستان» از نوشیروان مصطفی امین نویسنده و سیاستمدار کرد به سید محمد حمیدی سردبیر روزنامه کردستان می باشد. وی نیز بیشتر به فعالیت های سیاسی اشاره داشته است و در زمینه سایر فعالیت های علمی حمیدی ناکافی می باشد. احمد شریفی نیز از نویسندگان و پژوهشگران کرد مقاله ای با عنوان «سید محمد حمیدی» در مجله ای به نام «هاوار» به زبان کردی در آلمان منتشر کرده است<sup>۷</sup> که نسبت به سایر مطالب منتشر شده درباره حمیدی کامل تر و دقیق تر است. هیچکدام از موارد و منابع پیش گفته بصورت علمی و فارغ از فضای احساسی و تمجیدگرایانه، سعی در معرفی سردبیر روزنامه کردستان نداشته اند. فارغ از این مساله هیچکدام از این پژوهشگران اشاره ای به اندیشه ها و دیدگاه های حمیدی نداشته اند. مقاله حاضر تنها پژوهشی است که درصدد است سوانح ایام حمیدی و برخی از دیدگاه ها و اندیشه های وی را بصورت علمی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

## ۶. روش شناسی

برای بررسی سوال اصلی و سوال های فرعی مطرح شده در این مقاله، از مدل تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف استفاده می شود. بنابراین از روش توصیفی - تحلیلی استفاده می شود. فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی به دنبال این است که نشان دهد رخدادها و متون از دل مناسبات قدرت بیرون می آیند و وارد مبارزات قدرت می شوند. از این منظر، هدف تحلیل گفتمان انتقادی این است که نقش پراکتیس های گفتمانی، متون و رخدادهای ارتباطی را در حفظ، بقا و یا تغییر جهان اجتماعی موجود نشان دهد. تحلیل گفتمان انتقادی سعی دارد به نحوی نظام مند کاربرد زبان و متن را در رابطه با پراکتیس اجتماعی گسترده تری تحلیل کند و غالباً به دنبال برملا کردن دانش بدیهی انگاسته شده و طبیعی شده ی متن است. (نوذری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۴)

در هر تحلیل گفتمانی، دو بعد از گفتمان دارای اهمیت است: ۱. رخداد ارتباطی. نمونه ای از کاربرد زبان از قبیل مقاله روزنامه، فیلم سینمایی، ویدئو، مصاحبه یا سخنرانی سیاسی.

۲. نظم گفتمانی. ترکیب بندی تمامی گونه های گفتمانی به کار گرفته شده در یک نهاد یا میدان اجتماعی. مانند نظم گفتمانی رسانه، خدمات درمانی یا بیمارستان. در یک نظم گفتمانی، عمل های گفتمانی مشخصی وجود دارند که متن و گفت و گو را آن ها تولید و مصرف یا تفسیر می کنند. در هر عمل گفتمانی، یعنی در هر تولید و مصرف متن و گفت و گو، گونه های گفتمانی به شکل خاصی به کار گرفته می شوند. گونه های گفتمانی متشکل از گفتمان ها و ژانرها هستند. (محسنی، ۱۳۹۱: ۷۵)

تحلیل زبان شناختی نشان می دهد که چگونه متون از نظام های زبانی به نحو گزینش گرانه بهره برداری می کنند، حال آن که تحلیل بینامتنی نشان می دهد که متون چگونه از نظم های گفتمان به نحوی گزینش گرانه استفاده می کنند. تحلیل بینامتنی هم چنین حلقه ی واسطه زبان و بافت اجتماعی است و خلاء موجود میان متن ها و بافت ها را به شایستگی پر می کند. ویژگی های بینامتنی یک متن از خلال مشخصه های زبانی آن باز شناخته می شوند. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۳-۱۲۲) فرکلاف با توجه به نقیصه ی عدم توجه تحلیل های متنی به بافت، ضمن پذیرش این نقیصه معتقد است که:

تحلیل های بینامتنی نقش واسطه مهمی در به هم پیوستن متن و بافت دارند. تحلیل های بینامتنی مرکز توجه را به عمل گفتمانی تولیدکنندگان و مفسران متن معطوف می کنند که ویژگی های آن به ماهیت عمل اجتماعی - فرهنگی بستگی دارد و این ویژگی ها در متن هایی که نسبتا همگون یا نسبتا ناهم گون اند، متجلی می شود.

از نظر فرکلاف تحلیل بینامتنی ما را متوجه این نکته می کند که متن ها وابسته به تاریخ و جامعه اند. بدین معنی که تاریخ و جامعه منابعی هستند که تحلیل میان متنی را در نظم های گفتمانی، ممکن می سازد. بنابراین، تحلیل میان متنی بر شرح و توصیف هایی در باره ی انواع گوناگون گفتمان دلالت دارد. (نوذری و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۸)

از نظر روش شناسی، مقاله بر الگوی کیفی پژوهش استوار است. در این مقاله، تلاش شده است تا در بررسی متون روزنامه ای به عنوان اسناد مکتوب، بر پایه ی تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف تحلیل ها صورت پذیرد. متون به زبان کردی بوده و ابتدا به زبان فارسی ترجمه شده اند و سپس، مورد تحلیل قرار گرفته اند. با توجه به اینکه فرکلاف در تحلیل انتقادی به ترجمه متون اعتقاد ندارد، سعی شده است ترجمه متون به زبان فارسی، چهارچوب و فضای متن در زبان کردی در نظر گرفته شود. روش تحلیل فرکلاف در سه مرحله ی توصیف، تفسیر و تبیین صورت می گیرد.

۱. توصیف به مرحله ای اطلاق می شود که تحلیل گر ویژگی های صوری متن را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد. فرکلاف، پژوهش در متن را در سه سطح واژگان، ساختارهای نحوی و ساختار متن تعقیب می کند. (تاجیک، ۱۳۹۰: ۲۷۸)
۲. تفسیر. مرحله تفسیر بر این باور متکی است که مولف متن و مخاطب متن هر دو اذهانی بارور و فربه از گفتمان های جاری در محیط اند. متن در زمینه ای تولید شده و تفسیر می شود که آن گفتمان ها بر آن تسلط دارند. متن در یک فضای خالی مطلق نیست، به قول فرکلاف، مولد و مفسر دارای ذخایر و منابع ذهنی اند. باید نسبت میان متن و این ذخایر را نشان داد. (تاجیک، ۱۳۹۰: ۲۸۱)
۳. تبیین. فرکلاف در تبیین، بدنبال بیان شالوده و نظریات اجتماعی است که در شکل گیری گفتمان ها نقش دارند. تبیین، به شالوده ی اجتماعی و تغییرات دانش زمینه ای و البته باز تولید آن در جریان کنش گفتمانی می پردازد. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵)

## ۷. بررسی انتقادی متون برگزیده از روزنامه کردستان

از سید محمد حمیدی، در مجموع ۵۴ مقاله و یادداشت در روزنامه کردستان چاپ شده است. یکی از آنها، سلسله مقالاتی در زمینه ی تاریخ کردستان است که از زبان کردی به فارسی ترجمه کرده است و در بیش از ۲۵ شماره در روزنامه کردستان منتشر شده است. برخی دیگر از مقالات وی در روزنامه کردستان به بیان شرح حال و زندگی نامه علما، مشاهیر و عارفان گرد اختصاص دارد که در شماره های مختلف روزنامه منتشر شده است. این مقالات حاوی اندیشه های شخصی وی مخصوصاً از نظر سیاسی نبوده و از این رو، در چهارچوب کار پژوهشی قرار نداشتند. از مجموع چهارده مقاله سیاسی - اجتماعی بررسی شده از سید محمد حمیدی به علت رعایت حجم صفحات مقاله، تنها پنج مقاله از میان آنها انتخاب شد. مقالات سیاسی و اجتماعی سید محمد حمیدی کم و بیش در یک فضای اندیشگی نگاشته شده است و از این رو، می توان گفت که پنج متن مطرح شده در مقاله دربردارنده ی مهمترین مسائلی است که در اندیشه های سیاسی - اجتماعی سید محمد حمیدی می توان دنبال کرد.

## ۸. متن اول: "آرمان ما"۸

"در این هنگام که سرزمین کردستان بیش از هر زمانی به فداکاری فرزندان خویش نیاز دارد، در این حال که ملت های جهان برای حفظ و کسب آزادی خود و کسب وسایل پیشرفت هم میهنان شان در تلاش اند، در این وقت که تمام ملت های جهان غیر از آزادی و عظمت میهن شان آرمانی ندارند و شب و روز جهت رسیدن به این هدف در تلاش اند، ما به چه مشغولیم و آرمان ما چیست؟

بعد از چندین سال آوارگی و افسردگی و حبس و ضرب و شتم بیشمار و بیچارگی و تنهایی، بعد از اینکه با اشاره دشمنان با نام منگور و مامش و زرزا و دهبکری و گورک و گلباغی و ... به جان و مال همدیگر افتاده بودیم و خون همدیگر را می ریختیم و می مکیدیم و برای منافع شخصی خود هیچ چیزی را در نظر نمی گرفتیم، مدام مشغول اختلاف و تفرقه انداختن بین هم بودیم و سخن کوتاه اینکه هیچوقت در فکر هم میهنان خود نبودیم و در هیاهوی روزگار به غیر از منافع خود به چیزی نمی اندیشیدیم و دشمنان مانع تحصیل به زبان مادری مان بودند و از نور علم قرن بیستم ما را بی بهره کرده بودند، اندیشه آزادی در نظرمان رؤیایی پوچ بود و آنان که اندیشه ای داشتند اندک بودند، به ویژه غول استبداد رضاخان به یکباره کمرمان را شکسته بود و مردان وطن پرور کردستان یا کشته شدند یا در شیراز و تهران و خراسان به بند افتادند. در این هنگام که ذلت و آوارگی به نقطه آخر رسید، خدای تعالی با رحم و شفقت به یاد ما افتاد. شهریور ۱۳۲۰ رسید، ما از زنجیر اسارت رهایی یافتیم و دست بسته مان گشوده شد و چشم های خواب آلوده مان بیدار شد. جمعی از جوانان کردستان جمع شدند، دست برادری و اتحاد به هم دادند، بی وقفه تلاش کردند تا حزب دمکرات را به وجود آوردند و هر مانع و خائنی را که در کردستان بود از بین بردند. حزب دمکرات در اندک مدتی توانست شاخه های خود را در تمامی شهرهای کردستان ایران بگستراند. اکنون در کردستان نام منگور و مامش و زرزا و دهبکری و ... و هر سخنی که بوی تفرقه دهد گفته نخواهد شد. همگی یک صدا گوییم: ما کرد هستیم و خواهان کردیم. امروز سرافکنندگی را با سربلندی و بینوایی را با ثروتمندی و تفرقه را با اتحاد تغییر دادیم.... برای ملت می کوشیم و به زبان شیرین کردی تحصیل می کنیم، اخلاق زشت را به نیک تغییر داده ایم. ما که انتظار دارا بودن چاپخانه و انتشارات را نداشتیم، اکنون به یاری خدا روزنامه کردستان بوجود آمد و اولین شماره آن منتشر شد. این نشریه که از طرف حزب دمکرات کردستان انتشار می یابد، خواهان حصول قلعه ای آهنین از اتحاد و

برادری است که پایه آن بر علم و هنر و تندرستی نهاده شود تا بتواند با سیل تفرقه و بیدینی و هر آنچه برای آزادی مضر باشد مقابله کند. امیدواریم قلعه ای که خواهان بنیان آن هستیم، آن چنان محکم و نیرومند باشد که هیچ نیرویی نتواند با آن رقابت کند. "

**تحلیل متن:** واژگان مهم و برجسته ی متن عبارتند از آزادی، استقلال، پیشرفت ملل جهان، اسارت و فقر، تفرقه، استبداد، رهایی از اسارت، شهروندان برابر، اتحاد و برادری، علم و دانش، قدرت و انسجام اجتماعی. از نظر دستوری متن ساده است و دارای جملات معلوم و نویسنده از بکاربردن کنایه و افعال مجهول خوداری کرده است. بنابراین نویسنده منظور خود را به طور واضح بیان کرده است. نوع متن ژورنالیستی است و تم حزبی بر آن غالب است. از نظر موقعیتی، متن در بستر تحولاتی شکل گرفته است که بعد از شهریور بیست در کشور مخصوصا در مناطق کردنشین رخ داده است. در نتیجه ی این تحولات است که جمهوری کردستان در مهاباد و شهرهای اطراف آن شکل می گیرد. آنچه در متن قابل درک است، فشاری است که در نتیجه ی سیاست های یکسان ساز دولت پهلوی بر مردم منطقه وارد آمده و وقوع حوادثی که این فشارها را بدون اثر کرده است. خطاب مقاله، عموم مردم کرد است اعم از جوان یا پیر، شهری یا روستایی و بر مبنای برخی از ارزش های اجتماعی از جمله دوری از تفرقه، همبستگی و آزادی و برادری، درصدد ایجاد همبستگی در سطح بالاتری است که حول محور زبان کردی و حقوق شهروندی متاثر از تحولات جهانی حاصل شده است.

از نظر گفتمانی، نظم های گفتمانی خاص گرایانه و عام گرایانه در متن دیده می شود. از جمله اشاره به گفتمان جهانی آزادیخواهی، پیشرفت و توسعه، گفتمان چپ، گفتمان انسجام اجتماعی، گفتمان استبدادی و مقابله با آن، گرایش های گفتمانی عام گرایانه موجود در متن است. گرایش خاص گرایانه در متن بیانگر تاکید بر گفتمان ناسیونالیستی و محلی گرایی است که حول محور زبان کردی به عنوان زبان آموزش و پرورش شکل گرفته است.

در تبیین متن می توان گفت که متن در یک فضای مردسالارانه شکل گرفته است، زیرا بحثی از زنان و نقش آنها در تحولات اجتماعی وجود ندارد. در عین حال متن ناظر به تحولات جهانی در حوزه های مختلف اجتماعی و سیاسی است که در جامعه ی مردم گُرد انعکاس پیدا کرده است. نویسنده به ترتیب به تحولات مثبت جهانی، تغییرات سیاسی در ایران و انتظار بروز تغییرات بیشتر در میان مردم گُرد اشاره کرده است. از نظر ارزش تجربی مورد حمایت متن، می توان به تلاش نویسنده برای باز نمایی جهان واقع اشاره کرد. ارزش

رابطه ای موجود در متن مبتنی بر ایجاد حس اتحاد و همبستگی درونی بیشتر در میان کردها است. از نظر ارزش بیانی نیز متن در تلاش برای تعریف نقش موثر فاعلی مردم در ایجاد تحولات است.

## ۹. متن دوم: "توجیه افراد باسواد توسط افراد عامی"<sup>۹</sup>.

"در اینجا ما نمی خواهیم در مورد فقر و ستمی که ستمگران بر کردها روا داشته اند، صحبت نمایم زیرا امروز روز اصلاحات است و بایستی تا جایی که ممکن است اصلاحات را در پیش بگیریم و اتحاد و همبستگی را افزایش دهیم. باز هم نمی توانم نادیده بگیرم که رفتارهای گذشته مان را که موجب تفرقه شده، که اگر هر کدام را مورد بحث قرار دهیم هر یک، چند مقاله و کتاب نیاز دارد. یکی از این مسائل که بسیار لازم است در موردش صحبت کنیم، تفرقه و نفاق است که دشمنان برای تضعیف و نابودی ما و استفاده از منابع طبیعی ما، در بین ما راه انداخته اند و عشایر را در زمینه ی رفتارهای ناپسندی چون دزدی، راهزنی، غارت، کشتار و فرار از تحصیل تشویق کرده اند. این رفتارهای ناپسند به گونه ای در میان ما ریشه دوانیده است که انجام آنها مایه ی افتخار شده است. آن ها، همدیگر را از محل زندگی شان، فراری می دادند، قوم و خویشی و صله رحم که بزرگترین اخلاق اسلامی هستند، از میان رفته و هر ایل، ایل دیگر را تعقیب می کند و .... و در این بین، چند صد یا هزار نفر کشته می شدند. کشاورزان بیچاره از بین می رفتند، برادر، برادر خود را می کشت. قوم و خویش از دست یکدیگر در امان نبودند حتی در میان روحانیون هم این رفتار وجود داشت یک بار نیز مشاهده می شد که بخاطر یک کار کم ارزش، دعوای گسترده ای شعله ور می شد که ماهها طول می کشید. در این بین چند نفر البته نفع می بردند ولی عده زیادی زیان می دیدند. هیچ نمی اندیشیدند که این جنگ چرا و چگونه شروع شد و به خاطر چیست؟ چرا باید چنین وضعیتی حادث شود؟ به خاطر این اخلاق زشت گذشته بود که کردستان به سمت ویرانی می رفت و عقب ماند و از منابع سرشار آن استفاده نشد. اگر اتفاقاً مردی چون امیرمحمد رواندوز پیدا می شد و می خواست که اتحاد و همبستگی، علم و فرهنگ را در کردستان گسترش دهد فوراً دشمنان فرصت را به دست آوردند و کسی را از شیوخ یا روحانیت تحریک می کردند تا به عنوان مخالف اسلام او را معرفی نمایند و او را از بین می بردند. هم از این رو است که کردستان امروز ویرانه ای است و افراد جامعه از همه ظواهر تمدن محروم هستند. مخصوصاً

سکونتگاه روستاییان بیشتر به سکونتگاه درندگان شبیه است و از هر نوع امکانات سکونت بهداشتی و رفاهی محروم است اکنون که در سایه خداوند و تلاش پیشوای عزیز توانسته‌ایم تا اندازه ای دست ستم دشمنان را از خود دور نماییم، بیایید همانگونه که خداوند امر کرده است که همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و از تفرقه دوری نمایید، این اندیشه های زشت را از خود دور کنیم و میان خود اختلاف نیاندازیم، نگذارید تخم تفرقه دوباره سر باز کند. اتحاد، شما را در دنیا سربلند می‌کند، میهن را آباد و منابع گوهر را از زیر زمین برای شما استخراج می‌کند و فقر از بین می‌برد. در این صورت می‌توان اصلاحات اساسی در جامعه را انجام داد و سطح معیشت خود و خانواده را بالا برد. با اتحاد می‌توان صدها کارخانه بزرگ ایجاد کرد که در هر کدام بسیاری از افراد بیچاره سامان بگیرند. با اتحاد می‌توان از تمام مظاهر تمدن بهره‌مند بود و دانش و علم را در آخرین نقطه کردستان گسترش داد. ممکن است افرادی در کردستان هنوز باشند که بر اخلاق ناپسند گذاشته مانده باشند و مترصد فرصت باشند برای اینکه خوی تفرقه و بیگانه پسند را احیا کنند، بایستی این‌ها بدانند و مواظب باشند و بفهمند که رویه و حسن نیت پیشوا (قاضی محمد) و هدف حزب دموکرات کردستان و حکومت کردستان بر این است که عشیره بازی، دسته بازی، حقه بازی، غیبت کردن و مانع تراشی در مسیر پیشرفت مرام دموکراسی، به کلی آن گونه که اسلام می‌گوید ملغی است. اینها رفتار دوره جاهلیت است و نباید دوباره شوند، بایستی از بیخ و بن کنده شوند. ضروری است که هر کردی روز و شب، صحبت و کارهایش، و حرکاتش همه برای پیشرفت کردستان باشد. هر کس بر خلاف منافع دیگران، کاری انجام دهد و مایه ی عقب ماندگی مرام دموکراسی را فراهم کند یا مانع پیشرفت کار حزب دموکرات شود دست غیبی عدالت به سوی این خطاکاران نشانه می‌رود و نابودشان می‌کند. مردم همه باید رابطه نزدیکی با حزب دموکرات و حکومت کردستان داشته باشند. هر شکایتی را بدون ترس از مقام صلاحیتدار بپرسند. صحبت و هرگونه شیطنت از غیر مقام صلاحیتدار ممنوع است هر کس بر خلاف مصالح اقدام نماید خائن به دموکراسی، ملت و مملکت شناخته می‌شود. در پایان سرافرازی همه را از خداوند توانا تمنا دارم."

**تحلیل متن:** واژگان مهم و برجسته ی متن عبارتند از اصلاحات، اتحاد و همبستگی، تفرقه و اختلاف، تمدن، ریسمان خدا، کارخانه و کار، عشیره بازی، جاهلیت، پیشرفت و عدالت. متن نسبتاً بلند اما روان و ساده است. جملات اکثراً خبری، دارای فعل و فاعل و معلوم است. چند جمله ی مجهول در متن وجود دارد که ضمیر آن به عشایر مورد نظر

نویسنده در متن بر می‌گردد و نشانه‌ی نوعی تنبیه و انکار رفتار عشایر از نظر نویسنده است. در متن ترکیب‌های وصفی و اضافی وجود دارد و در بخش آخر متن، جملات ویژگی امری و دستوری و حتی تهدید پیدا کرده است. نویسنده از یک آیه‌ی قرآن در مقام استدلال استفاده کرده است. نویسنده از ضمیر ما به عنوان جامعه‌ی کردی و دولت جمهوری استفاده کرده و در مقابل آن، دشمن را که ضمیر مشخصی ندارد و می‌تواند منظور از آن دولت استبدادی باشد، قرار داده است.

موقعیت مورد اشاره در متن نشان دهنده‌ی وقوع تغییراتی است که به فاصله‌ی یک ماه بعد از اعلام جمهوری خود را نشان داده است و به نوعی دور شدن از فضای احساساتی و عاطفی است که در اثر آن ایجاد شده بود. کم‌کم بعضی از واقعیت‌های اجتماعی خود را نشان می‌دهند. از جمله معضل ساختار سنتی عشایر و روابط آن‌ها با یکدیگر. نویسنده از یک موقعیت مسالمت‌آمیز و با شرح مسئله آغاز می‌کند و با یک شیب تقریباً ملایم، به سمت جملات آمرانه و در نهایت تهدید حرکت می‌کند. وجود رفتارهای ضد اجتماعی عشایر و بروز اختلافات داخلی را نویسنده به عنوان امری غیر طبیعی تلقی می‌کند که ناشی از اراده‌های مخرب است و هدف آن تخریب نتایجی است که از بعد از اعلام جمهوری بوجود آمده است. در واقع از نوعی تئوری توطئه بحث می‌کند. برخی از این امر را نویسنده طبیعی و ناشی از حسادت‌ها و مشکلات شخصی می‌بیند. اشاره دارد به اینکه اگر افراد خوش‌نیتی هم بخواهند تغییرات مثبتی را ایجاد کنند، فوراً با کارشکنی‌های افراد دیگر، این اقدامات خنثی می‌شود.

از نظر گفتمانی، متن در بردارنده‌ی دو گفتمان معارض در برابر یکدیگر است که عبارت است از گفتمان حکومت جمهوری کردستان و نهاد برآمده از آن یعنی حزب دمکرات کردستان از یک سو و گفتمان برابر یا مخالف آن که با عنوان دشمن مشخص شده است ناظر بر دولت رضاشاه پهلوی و حاکمیت سیاسی در ایران است. در بین این دو گفتمان، میان گفتمانیت‌های فرعی مطرح شده است که عبارتند از گفتمان اصلاحات، گفتمان اتحاد و همبستگی، گفتمان عشایر، گفتمان بهداشت، گفتمان مذهبی، گفتمان اقتصادی، گفتمان فرهنگی، گفتمان حزبی، گفتمان دمکراسی، گفتمان پیشرفت و ترقی، گفتمان زور و تهدید و گفتمان اداری است. متن در بردارنده‌ی یک استناد متنی از زبان عربی و از قرآن است که نویسنده در باب استدلال و برای تحکیم و تثبیت دیدگاه خود ذکر کرده



است. وجود تعداد زیادی میان‌گفتمانیت در متن نشان‌دهنده‌ی میزان وسیعی از تغییرات است که مورد درخواست نویسنده است.

در تبیین متن می‌توان گفت که بعد از هر بحران اجتماعی و ایجاد تغییرات گسترده، کم‌کم هیجانات فروکش می‌کنند و واقعیت‌های موجود دوباره خود را نشان خواهد داد. از این رو، به نظر می‌رسد که متن در شرایط اجتماعی بروز مجدد واقعیت‌ها به عنوان بستر اصلی روابط اجتماعی و اقتصادی، خلق شده است و روبرو شدن با این واقعیت‌ها را نشان می‌دهد. این واقعیت‌ها ارتباطی با تحولات جهانی ندارد و از این رو است که نویسنده به شرایط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی جهانی اشاره نمی‌کند. بلکه حول تعارض میان ما و دشمن، که دو گفتمان معارض موجود از نظر نویسنده است، گفتمان‌های دیگر مفصل بندی شده و در نظر دارد تا با تحریک و جلب مشارکت بیشتر مردم در روند مشارکت اجتماعی، به مقابله با این آثار نامطلوب بپردازد. هم از این نظر است که ابتدا از درخواست و تاکید بر اراده‌ی مختار اقشار اجتماعی مخصوصاً عشایر آغاز کرده است و با امید به ایجاد تغییر و پذیرش آن از سوی جامعه و مردم، آن را مطرح کرده است. تغییر جهت جملات از حالت خبری به امری و در نهایت تهدید، نشان‌دهنده‌ی آن است که نویسنده از عشایر و رفتار جمعی آن‌ها به عنوان تهدید و مانع مشارکت و همبستگی اجتماعی و در نهایت مانع دموکراسی یاد می‌کند. امری که در نهایت پاشنه آشیل جمهوری شد.

#### ۱۰. متن سوم: " به کجا می‌رویم "۱۰

" امروز در کردستان به کمک خدا سهمناک‌ترین جنیش برای بازپس‌گیری حق آزادی و به دست آوردن مزایای بشری و مستفیض شدن از مظاهر مدنیت آغاز شده است. پسران جنگجو و مردان سلحشور کردستان قد مردانگی را علم کرده، آماده هستند تا آخرین قطره خون از میهن پر افتخار نیاکان خود دفاع کنند. سالهای دراز است که کرد در زیر تیر عبودیت و بندگی بیگانگان از زانو خم شده و پشت آنها شکسته است و در نتیجه‌ی سوء سیاست دشمنان، بشر از کلیه مزایای انسانی، عقب افتاده و بی‌ثمر مانده است. بیگانگان در سر راه این قوم باستانی خارها گذاشتند و سد راه آزادی شدند و برای نابود کردن آنان کلیه وسایل خارج از اصول نوع پرستی و انسان دوستی را به کار بردند، هزاران مرد دلیر و شجاع و دانشمندان کرد را به گناه آزادی‌خواهی کشتند و به دار آویختند، زندان‌های تهران و خراسان و شیراز و ازمیر و استانبول و بغداد و سایر شهرهای ایران و ترکیه و عراق پر از

اسیران زن و مرد بیگناه و بچه های معصوم کرد هستند که نود و هشت درصد آنان در زیر فشار شلاق ناجوانمردانه آنان و در اثر گرسنگی، فقر و بیچارگی جان سپردند. هزاران آزادیخواه را به لای دیوار گذاشته و بلکه میلیونها فداکاران و مردان کرد در زندان ها و سیاهچاله ها و تبعید گاه ها کشته و نابود شدند. هنوز هم زنان و کودکان کرد در خیابان های تهران و مشهد برای یک لقمه نان، دست بسوی نامردان دراز می کنند، روحشان طوری در زیر فشار خسته و فرسوده گشته است به یاد نمی آورند و بلکه نمی توانند به یاد آورند که یک روز دارای میهن و مسکن بودند و سالهای دراز خود و نیاکانشان در نهایت افتخار و سربلندی در آن می زیستند و امروز که تا یک اندازه نسیم آزادی وزیده دل ملول و خاطر فرسوده ستمدیدگان را نوازش داده قادر نیستند به میهن خود بازگردند. ملت کردستان بیش از همه ملل ستمدیده دنیا در شکنجه و آزار به سر برده و این میهن زیبا بی منوچهر و صلاح الدین به قبرستان و خرابه مبدل شد. مدنیت و فرهنگ زبان مادری او پایمال می شد با این حال روح آزادی خواهی کرد نمرود و هرگز هم نخواهد مرد. پس ای دلاوران کرد که مرد و مردانه به میدان آمده و جان شیرین را به کف نهاده اید، می دانید به کجا می روید و در راه چه مبارزه می کنید؟ شما می روید که سرحدات کشور باستانی کردستان را که قرن ها در اثر تعدی و ستم بیگانگان ویران و به تلی خاکستر تبدیل شده بود از تعرض و تعدی آنها ننگه دارید و از زیر چنگال گرگ صفتان که سالهاست خون این کشور را مکیده اند، درآورید. شما می روید که برادران کرد و سایر هم میهنان ایرانی خود را که در زندان و یا اسارت فرومایگان به سر می برند و همیشه چشم انتظار در راه شما دارند را نجات دهید. شما می روید فداکاری های بزرگ از خود نشان داده و در هنگام لزوم در راه آزادی کردستان از بذل جان و مال کوتاهی نکنید. شما می روید عدل شهود را که بذل جان و مال است و تاریخ درخشان و طلایی خود اقدام کنید، شما می روید نام نامی این میهن کهنسال را زنده و از چنگ دزدان برهانید و لذت میوه ی آزادی و سرفرازی را به این ملت پر افتخار ستمدیده بچشانید. مبارزه را آغاز کرده اید بزرگترین مبارزه ای است که تا امروز بدان قیام نموده اید. در راه میهن حفظ شرافت ملی و بالاخره رهایی کرد و کردستان از یوغ بندگی و استعمار است شما می خواهید نام نیاکان پر افتخار و با شهامت خود را زنده کنید پدران شما در راه مرام مقدس آزادی کردستان جهادها کردند. جانها باختند مال ها پرداختند و آنی در راه استخلاص کردستان غفلت نورزیدند، ننگ و رسوایی بندگی را بر خود هموار نکردند و جوانمردانه کوشیدند و نام پر افتخار خود را در صفحات تاریخ قهرمانان دنیا جاویدان

نمودند. قهرمانان کرد، از یاد نبرید که چه ها اموال شما را که تهیه نموده بودید ربودند و تا چه اندازه ناموستان را به باد دادند. جنگاوران کرد، تصمیم بگیرید که نمایشی از نمونه‌های قهرمانی نیاکان خود داده ارواح آن بزرگواران را که برای حفظ میهن و آزادی خود با شمشیر برهنه اسب به دریای دشمن می تاختند و شاد کنید. بار دیگر پرده از تاریخ جنگ های مردانه کرد با دشمنان را به عالمیان نشان داده ثابت کنید که ملت کرد به راستی نواده های آن پهلوانان نامدار میدان جنگ بوده و در روح سلحشوری و نجابت کردیت آنان تغییری حاصل نشده و نقصی پدید نیآمده است. خلاصه بخواهید در این روز ارزش حقیقی شهامت و مردانگی کرد و دشمنان او را باهم سنجیده برتری و شجاعت خود را نمایان سازید. مادر میهن چشم به راه مردانگی شماست از شما پسران می خواهد در صورت لزوم یک در مقابل صد حمله برید. شما در راه میهن و ناموس خود جهاد می کنید و اطمینان داشته باشید که پیروز خواهید شد. خدا، رسول، میهن، گذشتگان و نسل کنونی از شما خرسند و شاد می شوند و نسل آینده به شما افتخار خواهد کرد. نام شهامت و مردانگی شما را در تاریخ به خط طلایی ثبت می کنند. یاد دشمنان داخلی را به خاطر نیآورید اینها اگر وجود داشته باشند بسیار کم و انگشت شمارند در برابر روح قهرمانی و دلاوری شما ناچیز و بی ارزش هستند. و چند کلمه را که خدا و پیامبر از آن خوشنود و از طریق عقل و برهان دنیا پسند و مایه ی استحکام پیروزی شماست به عرض خواهم رسانید: در حالت پیروزی به اسیران احترام بگذارید و ابدا به کشتن آنها راضی نشوید و به محض اینکه به اسارت درآمدند مانند برادر با آنها رفتار کنید مخصوصا با کسانی که خود آزادی خواه ولی در میان مرتجعین به سر می برند و در عین حال از خیانتکاران خارجی و داخلی که به شکل میش و به صفت گرگند غفلت نورزید اگر جرمشان ثابت شد به اندازه جرم سزا دهید و با خائنین سیاسی که به جامعه و کشور خیانت می ورزند به شدت رفتار کنید اموال و غنائمی که به دستتان می آید متعلق به کردستان است تصرف اشخاص را در آن حرام بدانید در شهرها و دهاتی که ارتش تمرکز پیدا می کند، مبادا به مردم فشار بیاورید مال، ناموس، احترام و شرافت مردم را کاملاً در نظر داشته باشید زحمت بکشید مردم در آسایش باشند که خدا یار و پشتیبان شما خواهد بود."

**تحلیل متن:** واژگان مهم و برجسته ی متن عبارتند از جنبش آزادیخواهی، مدنیت، بندگی، بیگانگان، دشمن، مردان شجاع، زندان ها، سیاه چاله ها، زبان مادری، هم میهنان ایرانی، جهاد، قهرمانان، پیروزی، مرتجعین، خائنین سیاسی، مردانگی. متن به زبان فارسی

نوشته شده است و در عین حال دارای واژه های کردی است که احتمالاً سهواً به متن وارد شده است. جملات عمدتاً بلند و نیز دارای فاعل، فعل و معلوم هستند. در متن ترکیبات وصفی و اضافی متعددی وجود دارد. برخی از جملات متن، استفهامی و پرسشی است و برخی از جملات نیز حالت امری و توصیه ای دارد. بنابراین متن متنوع و دارای پیچیدگی است. در متن از ضمیر برای بیان دوگانه ما و دیگری استفاده نشده است، بلکه از اسامی مشخص مثلاً کردها و بیگانگان یا دشمن نام برده است. از واژه های یاد شده نویسنده برای بیان منظور خود به شیوه ی مثبت استفاده کرده است. با استفاده از کلماتی مانند گرگ صفتان، خائنین سیاسی و ... در مورد حاکمان ایرانی آن دوره و وابستگان آن ها، متن از تعادل اولیه خارج و به خشونت کلامی کشیده شده است. ضمن اینکه به تعداد پنج بار از واژه ی مردانه و مردانگی استفاده شده و نوعی از مردسالاری را در متن به ذهن القا می کند. نوع متن حماسی - ژورنالیستی است. از نظر زمینه ی موقعیتی روی سخن نویسنده در این متن به سمت پیشمرگان و نیروهای نظامی کردستان است که به علت بالا گرفتن برخوردهای نظامی با ارتش ایران در نقاط اتصال است. از تحولات تاریخی در کردستان، سختی ها و فشارهای قبلی سخن گفته و به ارزش هایی که در نتیجه ی مبارزات صورت گرفته و تغییرات بعد از جنگ دوم حاصل شده است، اشاره دارد. علاوه بر آن، به وظیفه ی ذاتی آن ها اشاره می کند که تحقق و گسترش آزادی و رهایی از ظلم و استبداد است. ضمن اینکه از نظر دامنه ی وظیفه، آنان محدود به کردستان نشده و از نظر نویسنده وظیفه ی رهایی کردستان و به قول نویسنده همه ی هم میهنان ایرانی را بر عهده دارند. در واقع اگر قضاوت در مورد اهداف و انگیزه ها صورت گیرد به شکل همزمان از خاص گرایی و عام گرایی "آزادی" و تغییر در وضعیت سیاسی و اجتماعی بحث شده است.

زمینه ی اصلی گفتمان حاکم بر متن، ناسیونالیسمی است که از یک سو بر میهن دوستی کردی و کردستان استوار است و از سوی دیگر مبتنی بر میهن دوستی ایرانی است. در مقابل از دولت ظالم و حاکم ایران به عنوان دشمن، بیگانه، مرتجعین و گرگ صفتان نام برده شده است. در متن، از گفتمان های میانی دیگری نیز استفاده شده است. از جمله گفتمان آزادی، گفتمان مردانگی، گفتمان بیگانگان، گفتمان سرکوب، گفتمان مبارزه، گفتمان فداکاری، گفتمان استعمار، گفتمان خیانت. آنچه نویسنده در متن انتظار دارد ایجاد تغییرات بسیار وسیعی است که گستره ی آن کل جامعه ی ایرانی است. گفتمان های میانی در یک نظم

گفتمانی به گونه ای مورد استفاده قرار گرفته است که بتواند دشمن را با زوایای متنوع آن تصویر کند و لزوم مبارزه با آن را تئوریزه کند.

در تبیین متن می توان گفت که تحولات سیاسی و نظامی در دوره ی نخست وزیری قوام السلطنه در رابطه ی ایران، شوروی و انگلستان و بعد ها آمریکا چنان مسیری را طی کرد که به فشار بیشتر بر کردستان و آذربایجان از سوی دولت مرکزی منتهی شد. در این شرایط است که متن در یک روزنامه کردی زبان، به زبان فارسی شکل گرفته است. بخوبی احساس خطر در فحوای کلام نویسنده وجود دارد و استفاده از کلمات با بار خشونت آمیز مانند گرگ صفتان، نشاندهنده ی وجود اضطراب از وقوع جنگ و بحران نظامی است که معلوم نیست نتیجه ی آن به کجا می انجامد. در این شرایط بحث کردن نویسنده از قواعدی برای جنگ و رویارویی نظامی، جالب و مهم است. زیرا به شکلی کاملاً ایدئولوژیک معتقد به پیروزی بر دشمن است و از فردای پیروزی در مواجهه با اسیران و شیوه ی برخورد با آن ها صحبت می کند. این در حالی است که با خالی کردن پشت دو جمهوری کردستان و آذربایجان در توافق با دولت قوام السلطنه، شوروی به قوای نظامی ایران مجال حمله ی نظامی و بازپس گیری کردستان در حوزه ی قلمرو جمهوری کردستان را داد. این امر نشاندهنده ی آن است که خوشبینی اولیه ی کردها و آذری ها به نقش حمایتی شوروی از جنبش های یاد شده، تنها نوعی آرمان گرایی ایدئولوژیک بود و در عمل ارزشی اضافه در نتیجه ی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی در نظام سیاسی آن ایجاد نشده بود. واقعیت قدرت سیاسی در بعد داخلی و خارجی کم کم خود را به کردها نشان می داد.

## ۱۱. متن چهارم: "آزادی خود را حفظ می کنیم و به همه ی ملت های ایرانی می بخشیم"<sup>۱۱</sup>.

"امروز ملت کرد از راه آزادی خود برای بالا بردن سطح زندگی اقتصادی، بهداشتی و فرهنگی قدم های بزرگی برداشته است و موفقیت آمیز هم بوده است. و برای تقویت زیر بنای آن هم آخرین تلاش خود را می کند. در ادوار تاریخ، کردها برای آزادی خود تلاش زیادی کرده اند و با دشمنان بزرگی مقابله کرده اند و مانند دیوار ی آهنین ایستادگی کرده اند و نیروی آزادیخواهی و میهن پرستی خود را به دنیا نشان داده است. ملت کرد اثبات کرده است که هیچ وقت فریب آنهایی را نمی خورد که آزادی را از وی سلب کرده اند و زیر بار زور نمی روند و برای محکم کردن ریشه ی نژادی خود تلاش می کند و هدف

خود را تا آخر دنبال می کند و در این مسئله بیگانه را به عنوان حامی و پشتیبان خود نمی شناسد. کردها در این مدت کم که آزادی خود را بدست آورده اند، پیروزی های زیادی را بدست آورده اند و در اهداف خود موفق شده اند. آزایخواهان کرد دیر وقتی است که با مستبدان مقابله کرده و موفق شده است ولی در بسیاری اوقات هم بیگانه ی خونخوار مانع تحقق اهداف کردها شده اند بسیاری از مستبدان برای سرکوب و خاموش کردن چراغ آزادی خواهی کردها تلاش کرده اند، اما کردها در برابر آن ها ایستاده و با مقاومت، پیروز شده اند. کردها هیچ وقت در راه آزادی و دموکراسی خسته و نا امید نمی شوند و همیشه در برابر حملات از هر جهت مقاومت کرده و در نتیجه بر دشمنان خود پیروز می شود و آن ها را رسوا می کند. مرتجعین چنین تصور می کنند که با تهدید و ارباب، کشتن و اعدام کردن می توانند شورش کردها را خاموش نمایند، نمی دانند که خون کردها از آزادی خلق شده است که اگر در مضیقه قرار گرفت، بجوش می آید تا خود را آزاد نماید یا خودش بر زمین ریخته شود. بعد از سالها مقاومت خونین، ملت کرد آزادی خود را بدست آورده و اکنون آزاد زندگی می کند و روز به روز در مسیری فراخ پیش می رود و آماده است تا همه ی ملل دیگر ایرانی باستان را که وضع و حال بهتری از کردها ندارند را از چنگ دیکتاتورها رهایی بخشد. ما اطمینان داریم که این نحوه ی زندگی برای ما ابدی است زیرا ما لیاقت این را در خود احساس می کنیم که شایستگی حفظ آنرا برای خود و دیگر ملل ایرانی با هر نرخی داریم. امروز ما در خیالات و توهم صحبت نمی کنیم، و بی خود تهدید نمی کنیم. ما نیروی ملی خود را آشکار کرده ایم، همه با هم اسلحه برداشته ایم و شب و روز بدون احساس خستگی یک دل و یک زبان برای حفظ میهن آماده هستیم. مردم کرد ثابت کرده اند که در نهضت خود غیر از نیروی خود، در کنار هیچ کس دیگری قرار نگرفته است اگر کسی در این مورد تردیدی دارد، بیاید و ببیند. ما آماده ایم که میهن دوستی خود را اثبات نماییم. ما در طول روزهای سال برای تحقق اهداف خود تلاش می کنیم و ایدآل خود را همراه با تامین نیازهای روزانه دنبال می کنیم و با مخالفت ها نیز هر اندازه مشکل باشد با تکیه بر نیروی ملی خود آن را از پیش پای بر می داریم. مردم کرد آماده اند که حاکمیت خود را حفظ نمایند و تمام تلاش خود را در این راه بکار می بریم. این ها از آن جهت است که کسانی که تاکنون با نان مردم کردستان زندگی کرده و آن ها را در فقر و بیچارگی نگه داشته اند، نتوانند بار دیگر به چنین روزی بیندیشند و می دانند که کردها موقعیت خود

را نگه می دارند و یکصدا با هم آزادی خود را حفظ می کنند و به بخش های دیگر ایران نیز آزادی می بخشند".

**تحلیل متن:** واژگان مهم و برجسته ی متن عبارتند از آزادی، دشمنان، میهن دوستی، بیگانه، مستبدها، مقاومت، پیروزی، دمکراسی، مرتجعین، ارباب و وحشت، دیکتاتورها، نهضت و حاکمیت. متن روان و ساده است و جملات دارای فعل و فاعل هستند. جملات معلوم اند اما نکات دستوری در متن رعایت نشده است. از این جهت است که جملات طولانی می نمایند اما در واقع چنین نیست. از ترکیبات وصفی و اضافی در متن استفاده شده است. برخی واژه ها در متن بکاررفته است که وجه منفی آن ها بیشتر است و نشان دهنده ی وجود قدری خشونت کلامی از سوی نویسنده است مانند این جمله: "مرتجعین چنین تصور می کنند که با تهدید و ارباب، کشتن و اعدام کردن می توانند شورش کردها را خاموش نمایند". از ضمیر ما برای بیان مردم کرد و از واژه ی دشمن برای دیگری در مقابل آن استفاده کرده است. البته واژه های دیگر هم مانند بیگانه، مستبد، دیکتاتور و مرتجع، برای این مضمون مورد استفاده قرار گرفته است.

نوع متن ژورنالیستی است. از نظر موقعیتی متن ناظر بر تغییراتی است که در کردستان بعد از فروپاشی رضاشاه بوجود آمده است. نویسنده با گریزی تاریخی از تحقق آزادی در کردستان صحبت به میان آورده است. بیشتر ایده ها و ایدآل هایی است که نویسنده مطرح کرده است و در این زمینه تا جایی پیش می رود که در برشمردن ویژگی های کردها و رابطه ی آن ها با آزادی، به اسطوره می رسد. در این جمله که: "مرتجعین چنین تصور می کنند که با تهدید و ارباب، کشتن و اعدام کردن می توانند شورش کردها را خاموش نمایند، نمی دانند که خون کردها از آزادی خلق شده است که اگر در مضیقه قرار گرفت، بجوش می آید تا خود را آزاد نماید یا خونس بر زمین ریخته شود". مفهوم نیست که چگونه خون کردها از آزادی خلق شده است، ولی به نظر می رسد که نویسنده در مورد رابطه ی آزادی با کردها اغراق کرده است". در عین حال، از دوگانه ی ما و دیگری یا مردم کرد و دشمن در متن استفاده شده است. با وصف این، نویسنده تاکید می کند که مردم کرد دارای آزادی هستند و آن را برای همه ی مردم می خواهند. ویژگی دیگری که نویسنده تاکید می کند، عدم وابستگی به نیروی خارجی است و اینکه روی پای خود می ایستند.

گفتمان اصلی متن گفتمان آزادی است که نویسنده آن را برجسته می سازد و در مقابل آن گفتمان دشمن یا دشمنان است که منظور دولت مرکزی است. در متن از میان گفتمان

های دیگری در تایید این گفتمان نام برده شده که با گفتمان های اصلی مفصل بندی شده است. از جمله گفتمان میهن پرستی، گفتمان استبدادی، گفتمان مقاومت، گفتمان دموکراسی، گفتمان امید، گفتمان دیکتاتوری، گفتمان نظامی. نویسنده به شکلی ایدآلی از این گفتمان ها برای بیان منظور خود استفاده کرده است. نویسنده تا جایی ایده آلی به موضوع می نگرد که از آینده ای محتوم و ابدی صحبت می کند و می گوید: "ما اطمینان داریم که این نحوه ی زندگی برای ما ابدی است زیرا ما لیاقت این را در خود احساس می کنیم که شایستگی حفظ آنرا برای خود و دیگر ملل ایرانی با هر نرخی داریم". این امر نشان می دهد که نویسنده چندان با روند امور و مسئله ی قدرت و روابط بین الملل آشنا نبوده یا نمی خواهد واقعیت ها را ببیند. متن مبتنی بر خواست خاص گرایانه نیست، زیرا استدلال نویسنده آن است که کردها آزادی مورد درخواست خود را یافته اند. در واقع خواست نویسنده در این متن عام گرایانه است و آزادی را برای همه ی مردم ایران می خواهد. آزادیی که به زعم نویسنده می تواند از کردستان و آذربایجان به نقاط دیگر ایران گسترش پیدا کند.

در تبیین متن می توان گفت که ساختارهای ایجاد شده در کردستان بعد از اعلام دولت خودمختار جمهوری کردستان، الهام بخش نویسنده بوده و مبنای اصلی آن را تحقق آزادی دیده است. از این رو، نویسنده در متن تلاش می کند تا روند به زعم او رو به پیش آزادی و دموکراسی در کردستان می تواند الهام بخش دیگر بخش های کشور باشد. بر اساس تغییرات ایجاد شده در کردستان دوره ی جمهوری، به حقوق زنان توجه تقریباً برابر شده است، حقوق اقلیت های دیگر رعایت شده است. از جمله در رابطه با مناسک دینی، خواندن و نوشتن به زبان مادری برای غیر کرد زبانان از جمله آذری ها و یهودیها و ...

## ۱۲. متن پنجم: "کرد به عشق آزادی زندگی می کند و در این راه نیروی خود را صرف می نماید"<sup>۱۲</sup>.

در مدت هفتصد سال گذشته از هنگامی که کردها آزادی و استقلال خود را از دست داده اند و به عبارت دیگر از وقتی که استعمار و استثمار به خاک زیبای کردستان و این ملت قدم نهاد است، برای پاره کردن رشته ی اتحاد و برادری و ویران کردن قلعه ی استقلال و تبدیل آن به عشایر و امارت های جدا جدا تلاش کرده اند، یا از وقتی که برای استفاده از این خاک که بسیار بهره ور و دارای منابع زیاد طلا و جواهر بود، در میان ملل دیگر تقسیم شده اند، بدون وقفه این ملت رشید و آزادی خواه به عشق آزادی زندگی کرده است و



خواهد کرد و در این راه برای اینکه زنجیر اسارت و ریسمان فقر را پاره کند، آخرین نیروهای خود را به کار برده و به کار می‌برد. تاریخ کرد به افتخارات تاریخی، شجاعت، از خود گذشتگی، فداکاری، مردانگی و جوانمردی آراسته شده است، هیچ جای کردستان نیست که با خون جوانان فداکار کرد رنگین نشده باشد سنگی نیست که با خون جوانان زینت نیافته باشد و این نتیجه خوی آزادیخواهی و از خودگذشتگی کردها بوده است. هرچند امپراتوری و عظمت تاریخی خود را از دست داده بود اما باز هم از آزادی در میان خود بی نصیب نبوده و در امور خود آزاد بوده است و در مواردی هم سلطنت یا امارت مستقل خود را برای مدت طولانی یا کم برپا کرده است و زیر سایه آن آسوده است. در سال‌های اخیر که استعمار به خاورمیانه حمله کرد و گسترش یافت، همه‌ی آزادیها از کردها سلب شد و از هر سو به کشتن کردها، تبعید، غارت، محرومیت از فرهنگ، محرومیت شهر و روستا و آتش زدن آنها بر خلاف قوانین انسانی اقدام کردند. امنیه‌ها با مردم بی‌ناموسی می‌کردند، مال مردم را می‌بردند، سربازها از هر سو قانون شکنی کرده و به حقوق مردم تجاوز می‌کردند. ظلم و ستم مسئولان دولتی‌هایی که کردها زیر فرمان آنها در آمده بودند، بدتر بود و خودشان هم جیره خوار استعمار بودند. باز هم علیرغم این همه دردسر، کردها از خواست آزادی خسته نشده و از آن دست برد نداشتند و با آرامی و از طریق احزابی که ایجاد کرده اند، برای به دست آوردن دوباره آزادی مقاومت کرده و در هر موقعیتی قربانی‌های زیادی داده اند، حتی من اطلاع دارم که یکصد و بیست نفر از بیگزاده‌های مشهور مریوان به گناه آزادی خواهی در مدت ۱۵ سال یعنی از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ در قصر قاجار کشته شدند و در همه‌ی فرصت‌های پیش آمده، تلاش کردها به هدر رفت تا اینکه خداوند فرصتی فراهم آورد و حزب دمکرات تأسیس شد. مردم کرد با رهبری این حزب به پا خاستند و انقلاب کردند و پیروز شدند و آزادی خود را به دست آوردند. امروز دیگر در کردستان آزاد از مسئولان دزد و خائن، امنیه و آژان مال و ناموس بر، نشانی نیست. دیگر شلاق مستبدین و مغروران بر سر کشاورز و دهقان فرود نمی‌آید. دیگر آهن و چوب گداخته بدن آنها را نمی‌سوزاند، پای جوانان با زنجیر بسته نمی‌شود و از پشت دست آنها قفل نمی‌گردد. چشم دشمنان مردم کرد در برابر آفتاب آزادی، قدرت و توانایی دیدن این وضعیت را ندارند. دشمنان برای پایمال کردن این آزادی به تقلا افتاده اند و به دسته‌بازی و فریب دست زده اند و مراکز جاسوسی را تأسیس کرده اند. اینها گیج شده اند از اینکه مردم کرد بعد از چند میلیون کشته، این آزادی را به دست آورده اند و با تمام قوا از آن حمایت

می کنند. در سایه این آزادی است که آرام گرفته و در روشنایی آن با هم تعامل می کنند. کردها امروز خوار و ذلیل نیستند و در بسیاری از عرصه های زندگی پیشرفت کرده اند و به زبان خودشان تحصیل می کنند، می نویسند و مطبوعات کردی منتشر می شود. نیروی توانمند ملی با امکانات کامل و ساز و برگ لازم تاسیس کرده ایم که می تواند در برابر دشمنان مقاومت کرده و آنها را شکست دهد. در آبادانی سرزمین زیبایمان در مدت کم، بسیار پیشرفته ایم و وضع اقتصادی ما نسبت به وضعیت کنونی جهان بسیار خوب است و پیش بینی می شود که به زودی در زمینه ی کشاورزی کردستان، تغییرات جدی روی دهد و به وسیله ی تراکتور و آلات قرن بیستم، موتور کشاورزی ما به کار می افتد و حجم زیادی از محصولات کشاورزی در خاک طلایی ما تولید و به وسیله آن بسیاری را سیر خواهیم کرد و با تجارت متقابل همه نوع وسایل زندگی ملل متمدن را به سرزمین آن می آوریم و مردم خود را از زندگی بهتری برخوردار خواهیم کرد. از این رو قابل قبول نیست که از آزادی خود دست برداریم و برای هر گونه مقاومت در برابر دشمنان آزادی آماده ایم ملتی که به عشق آزادی زندگی کند و طعم آزادی را چشیده باشد، هرگز آن را از دست نمی دهد. در این مدت کم، قدمهای بسیار بزرگ تاریخی برداشته ایم. حزب دمکرات کردستان به طور منطقی و عاقلانه توانست ملت کرد را رهبری نماید و اعتماد و پشتیبانی کردها را به سوی خود جلب کند. حزب دمکرات دردهای ملت کرد را شناخته و برای درمان آنها تلاش کرده است. امروز کردها تنها آزادی خود را حفظ نمی کنند بلکه با چراغ ایمان و نیروی اتحاد، آزادی را در کل ایران گسترش می دهد. امروز ایران یک طرح تاریخی انتخاب می کند و کردستان هم برای آزادی آن، از خود گذشتگی بیش از اندازه نشان می دهد. امروز در سایه ی نهضت کردستان، در حال رویدادن تغییرات بزرگ در ایران هستیم. امروز پانزده میلیون ساکن ایران به مردانگی کردستان و آذربایجان چشم دوخته اند، اکنون هم ارتجاع تلاش می کند تا همه ی توان خود را جمع کرده و در نظر دارد کورسوی ما و همه ی ایرانیان را که هنوز بخش اندکی از آن را دیده اند، خاموش نمایند و آزادی ما را پایمال کنند. ما هم با کمک همه ی آزادیخواهان یک جبهه را تاسیس کرده ایم و به عشق آزادی، مبارزه را ادامه می دهیم، تا آزادی خود را مستحکم کنیم و آزادی ملتی هایی که به انتظار ما نشسته اند را تامین کنیم و نتیجه ی روی پای خود ایستادن را به آن ها خواهیم داد و بندهای اسارت آن ها را باز می کنیم و همه ی آزادیخواهان جهان را برای کمک فرا می خوانیم، بنابراین زنده باد برادری و دمکراسی.

**تحلیل متن:** واژگان مهم و برجسته ی متن عبارتند از واژه های آزادی، استقلال، استعمار، اتحاد، برادری، اسارت، فقر، شجاعت، فداکاری، امارت، تبعید، محرومیت، امنیت، ظلم و ستم، حزب دمکرات کردستان، انقلاب، پیروزی، پیشرفت، تولید، تجارت، اعتماد و رهبری. متن روان و دارای جملات بلند و معلوم است. جملات دارای فعل و فاعل اند. متن دارای ترکیب های وصفی و اضافی متنوع برای بیان موضوع است. از ضمیر ما برای بیان موقعیت کردها استفاده شده است و برای استفاده از طرف مقابل از عناوینی چون دشمن، استعمار و استعمار استفاده شده است.

ژانر متن ژورنالیستی است و از نظر موقعیتی، متن ناظر بر تحولات تاریخی گذشته ی کردستان در گستره ای فراتر از ایران است. در این چهارچوب تفکیکی باید صورت بگیرد. در واقع در دو سطح می توان بحث کرد. در سطح اول نویسنده از موقعیت کردستان در منطقه می گوید و در سطح دوم موضوع کردستان و کردها در ایران است. به صورت طبیعی در سطح اول نویسنده طرف مقابل کردها را هم دولت های منطقه و هم قدرت های جهانی آن دوره می داند و از آن ها به عنوان دشمنان و یا کشورهای استعماری نام می برد و در سطح دوم به دولت مرکزی ایران می پردازد. در این دو سطح برخی شرایط یکسان وجود دارد که نشاندهنده ی آن است برخورد با کردها از یک منطق یکسان پیروی کرده است. به عبارت دیگر، از نظر نویسنده کردها در هر دو سطح، با سلب آزادی و سرکوب روبرو بوده اند اما روشهای اتخاذ شده در این سطوح با هم متفاوت بوده است. آنچه که موجب تغییر در وضعیت مردم منطقه شده است، از نظر نویسنده تلاش برای کسب آزادی و اراده برای پیشرفت مردم است. به گونه ای که نویسنده مواردی از موفقیت ها در زمینه ی پیشرفت در کردستان را یادآور می شود. در این موقعیت، به نظر می رسد نویسنده بیش از اندازه دچار آرمان گرایی شده است بگونه ای که حاضر نیست در مورد مشکلات پیش رو در جمهوری کردستان صحبت کند. فقط به موفقیت ها و آینده ای مثبت تر از اکنون می اندیشد.

گفتمان اصلی متن، آزادی است که در برابر آن دشمنان مردم کرد و ایران قرار دارند. برای بیان این گفتمان، نویسنده از گفتمان های میانی دیگری استفاده کرده است. از جمله از گفتمان های استعماری، گفتمان برادری، گفتمان استقلال، گفتمان شجاعت و فداکاری، گفتمان امنیتی، گفتمان تغییر و پیشرفت، گفتمان اعتماد و گفتمان دمکراسی. با توجه به حجم گسترده ی گفتمان های میانی مورد استفاده، متن در پی ایجاد یا در انتظار حداکثر تغییرات بوده است. اهداف و خواسته های این برساخت گفتمانی، هم بعد خاص گرایانه

دارد یعنی انتظار این است که مردم کردستان تغییراتی در وضعیت شان بوجود آید برای کسب آزادی بیشتر و هم بعد عام گرایانه دارد، زیرا متن در پی ایجاد این تغییرات یعنی کسب و گسترش آزادی و دموکراسی برای کل ایران است. از ترکیب زمینه‌ی موقعیتی، گفتمانی و مخصوصاً گفتمان‌های مورد استفاده‌ی متن، نظم گفتمانی متن شکل گرفته است و نویسنده توانسته است با استفاده از واژه‌گزینی مورد نظر، به بیان منظور خود و تلاش برای تاثیر گذاری بر مخاطب و همراه نمودن آن‌ها با خود، پردازد.

در نهایت متن با بیان تغییرات ساختاری بوجود آمده در کردستان در مدت کمی که اداره‌ی امور کردستان زیر نظارت جمهوری کردستان صورت گرفته است، درصدد بیان تاثیر آزادی و دموکراسی بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کردستان است. یک تفاوت اساسی این متن با متون مشابه دیگر این است که در این متن نویسنده به نهادهایی چون تشکیل حزب دمکرات کردستان محوریت بخشیده است و نگاه نهادی را بر نگاه نخبه‌گرایانه‌ی که محوریت را به شخصیت کاریزمایی چون قاضی محمد و کارکردهای او در جامعه‌ی کردستان می‌داده است، اولویت بخشیده است.

### ۱۳. نتیجه‌گیری

نتایج بدست آمده از بررسی متون پنج‌گانه، بیانگر برخی از اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی سید محمد حمیدی در مقام شخصیتی سیاسی و فرهنگی از یک سو و سردبیر روزنامه کردستان که ارگان یک ساخت و حزب سیاسی در سالهای ۲۵-۱۳۲۴ است. در مجموع از فحوای پنج متن بررسی شده، بر می‌آید که سید حمید محمدی، حول دو نظم گفتمانی عام گرایانه و خاص گرایانه، از گفتمان‌های اصلی و فرعی در تبیین وضعیت و شرایط حاکم بر تجربه جمهوری کردستان، گفتگو می‌کند. با توجه به متن‌ها، وی از دو گفتمان معارض بحث می‌کند. گفتمان جمهوری کردستان که به صورت خاص گرایانه بر ناسیونالیسم کردی استوار است و گفتمان عام گرایانه استبدادی که نماد دولت شاهنشاهی است و به عنوان بیگانه و دشمن از آن نام برده شده است. با وصف وجود این دوگفتمان معارض، اما گفتمان‌های اصلی در دیدگاه سید محمد حمیدی، گفتمان‌های آزادی، ترقی و دموکراسی است که خصلت عام گرایانه داشته و مبتنی بر گفتمان لیبرال دموکراسی است. این نظریه در برابر گفتمان معارض استبدادی قرار دارد. از این رو، چه خواسته‌های عام گرایانه و چه

خواست های خاص گرایانه نزد آقای حمیدی، هر دو در برابر گفتمان معارض استبدادی است، گفتمانی که دیگری خود را نمی پذیرد و به مقابله با آن بر می خیزد.

البته مفاهیم دیگری را نیز آقای حمیدی مطرح کرده است که اگر چه به عنوان گفتمان مستقل نمی توان از آنها یاد کرد اما به عنوان زیر مجموعه گفتمان های مطرح شده، قابل توجه اند. از جمله ایده های تاریخی، دینی، مفاهیم مقاومت، انقلاب، چپ و اصلاحات. همه ی این مفاهیم در چهارچوب گفتمان های اصلی مطرح شده نظم گفتمانی یافته اند و بیانگر آن است که توجه اصلی وی به چهارچوب سیاسی ایران است و بنابراین، تعارضی میان وجود ناسیونالیسم کردی و جمهوری کردستان از یک سو و ناسیونالیسم ایرانی و چهارچوب سیاسی ایران نمی بیند. وی در متن سوم می نویسد که هدف از مبارزه برای آزادی، این است که برادران کرد و سایر هم میهنان ایرانی خود را که در زندان و یا اسارت فرومایگان به سر می برند و همیشه چشم انتظار شمایند، را نجات دهید<sup>۳</sup>. در متن پنجم، سید محمد حمیدی اشاره می کند که مردم کرد در طول تاریخ به عشق آزادی زندگی کرده و خواهند کرد و در ادامه، اضافه می کند که "امروز کردها تنها آزادی خود را حفظ نمی کنند بلکه با چراغ ایمان و نیروی اتحاد، آزادی را در کل ایران گسترش می دهند"<sup>۴</sup>. وی در متن چهارم نیز تاکید می کند که آزادی را که مردم کرد بدست آورده اند، برای همه مردم - ایران - می خواهند. در همین متن باز تاکید می کند که جنبش کردها روی پای خود ایستاده است و وابستگی به نیروی خارجی ندارد. البته باید تاکید کرد که نوشته های سیاسی سید محمد حمیدی، به طور کلی در چهارچوب گفتمان لیبرال دمکراسی است و نشانه ای از دسته بندی های طبقاتی - مارکسیستی و به عبارت بهتر گفتمان مارکسیستی در آن به چشم نمی خورد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه وی مسائل خود را در چهارچوب سیاسی ایران مطرح کرده است، می توان گفت که مسائلی که توسط سید محمد حمیدی در روزنامه کردستان مطرح شده است، جنبه دولت ستیزی به معنای تلاش برای کسب استقلال سیاسی از دولت مرکزی نداشته است.

## پی نوشتها

۱. مقاله، بخشی از رساله ی دکترای علوم سیاسی با عنوان بررسی و تحلیل گفتمان دولت ستیز در جمهوری کردستان (مهاباد ۱۳۲۴) است.

۲. پسوه، در حال حاضر یکی از شهرهای استان آذربایجان غربی و از توابع شهرستان پیرانشهر است.
۳. روزنامه کردستان ۲۵-۱۳۲۴، صالح توفیق و صالح صدیق (ویراستاران)، هولیر (اربیل)، (۲۰۰۷)، عراق، انتشارات آراس و ژین.
۴. سید جمال الدین حمیدی، مختصری از شرح حال عالم و عارف بزرگ کرد، مرحوم حاج سید محمد حمیدی، بی تا.
۵. عمر فاروقی، بی تا، یادى از اولین روزنامه نگار کرد در ایران، سایت اینترنتی کوردنور.
۶. عبدالرحمن شرفکندی، چیشتی مجبور - خاطرات عبدالرحمن شرفکندی - به کوشش خانى شرفکندی، ۱۹۹۷، پاریس، فرانسه.
۷. مجله هاوار، سید محمد حمیدی، تالیف احمد شریفی، (۲۰۰۴، شماره ۱۵، آلمان)، ص ۱۷-۲۱.
۸. روزنامه کردستان، ۱۳۲۴/۱۰/۲۰ (شماره ی ۱ صفحه: ۱)
۹. روزنامه ی کردستان، ۱۳۲۴/۱۲/۶، (شماره ی: ۱۹ صفحه: ۱)
۱۰. روزنامه ی کردستان، ۱۳۲۵/۳/۴، (شماره ی ۴۹ صفحات: ۲)
۱۱. روزنامه ی کردستان، ۱۳۲۵/۳/۱۳، (شماره ی: ۵۳ صفحه: ۱)
۱۲. روزنامه ی کردستان، ۱۳۲۵/۴/۱۸، (شماره ی ۶۶، صفحات: ۱ و ۴)
۱۳. روزنامه ی کردستان، ۱۳۲۵/۳/۴، (شماره ی ۴۹ : ۲)
۱۴. روزنامه ی کردستان، ۱۳۲۵/۴/۱۸، (شماره ی ۶۶ : ۴)

## کتابنامه

- احمدی - حمید (۱۳۸۷)، قومیت و قوم گرایی در ایران، افسانه و واقعیت، تهران: نشر نی.
- تاجیک - محمدرضا (۱۳۹۰)، سیاسیات، نظریه و روش، تهران، نشر نی.
- (۱۹۹۷)، چیشتی مجبور - خاطرات عبدالرحمن شرفکندی - به کوشش خانى شرفکندی، پاریس، فرانسه.
- فرکلاف - نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه ی فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران، مرکز مطالعات رسانه ها.
- مصطفی رسول - نوشیروان (۲۰۰۶)، حکومت کردستان، ترجمه اسماعیل بختیاری، سلیمانیه (عراق)، انتشارات بنکه ژین.
- مصطفی رسول - نوشیروان (۲۰۰۷)، حکومت کردستان، چاپ سوم به زبان کردی، سلیمانیه (عراق)، انتشارات تیشک.

سید محمد حمیدی و نقش وی در مقام سردبیری روزنامهٔ کردستان ۲۹۵

یورگنسن - ماریان، فلیپس - لوئیز (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه ی هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

فصل نامه بین المللی ژئوپلیتیک، تبیین توسعه ی پایدار سیاسی مطالعه ی موردی ایران، محمد اخباری و دیگران، (شماره ۳۹، پاییز ۹۴) صص ۳۳-۵۸.

فصل نامه معرفت فرهنگی، جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف، محمد جواد محسنی، (تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱۱) صص ۸۶-۶۲.

فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، سودمندی گفتمان انتقادی فرکلاف در تحلیل متون انضمامی، حمزه نوذری و دیگران، (دوره دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲)، ص ۱۵۳.

ماهنامه ی کتاب ماه - تاریخ و جغرافیا، تعابیری از سند و سندشناسی و نقش آن در پژوهش و توصیف اسناد تاریخی، محسن روستایی، (تیر ۱۳۸۹ - شماره ۱۴۶) ۴۹-۴۲.

مجله هاوار، سید محمد حمیدی، احمد شریفی، (۲۰۰۴، شماره ۱۵، آلمان)، ۱۷-۲۱.

---- (۲۰۰۷)، کردستان ۲۵-۱۳۲۴، صالح-توفیق و صالح-صدیق (ویراستاران)، هولیر (ارییل)، عراق، انتشارات آراس و ژین.

---- (بی تا)، مختصری از شرح حال عالم و عارف بزرگ کرد، مرحوم حاج سید محمد حمیدی، به کوشش سید جمال الدین حمیدی.

فاروقی - عمر (-)، یادى از اولین روزنامه نگار کرد در ایران، سایت اینترنتی کوردنور، <http://kurdnoor.ir>